

اندازه دولت و بخش مالی و بودجه‌ای آن در افق چشم انداز (مطالعه ایران و کشورهای منطقه)

حمیدرضا لطفی حقیقت^۱ ابراهیم علی نژاد مهربانی^۲

چکیده

در این مطالعه ابتدا تعریف بودجه بیان شده و مفهوم بخش مالی و بودجه‌ای دولت و اهمیت آن در اقتصاد بیان می‌گردد. در ادامه هدف نظام بودجه‌ای شرح داده شده و ابعاد و شاخص‌های بخش مالی و بودجه‌ای دولت مشخص می‌گردد. در آخرین بخش، شاخص‌های مالی و بودجه‌ای دولت در اقتصاد ایران و مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

بودجه، اندازه دولت، سند چشم‌انداز، بخش مالی.

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی.

۲- کارشناس ارشد اقتصاد.

مقدمه

پیدایش دولت‌های مدرن و گسترش مأموریت آنها از وظایف تاریخی به حوزه‌های توسعه و رفاه اجتماعی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، موجب افزایش حجم وظایف و مسئولیت‌های دولت شده است. این مسئولیت به تدریج پای دولت‌ها را به دخالت‌های مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی و مدیریت منابع باز کرد. دخالت‌های مزبور، علاوه بر مسائل مربوط به کارایی در تخصیص و بهره‌برداری از منابع، به چگونگی توزیع درآمدها و تحقق عدالت اجتماعی مربوط می‌شود.^۲ مسئولیت و وظایف دولت به دو گروه وظایف ثابت و متغیر قابل تفکیک است. وظایفی همچون برقراری نظم و امنیت، حفظ استقلال، اشاعه مبانی حاکمیت قانون و تأمین کالاهای عمومی در گروه وظایف ثابت قرار می‌گیرد. اما در گروه وظایف متغیر دولت می‌توان فهرستی از وظایف متناسب با هر دولت در حال توسعه از جمله ایران تنظیم کرد که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- تقویت زمینه‌های فرهنگی و اشاعه ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی،
- تأکید بر گسترش و تعمیم آموزش‌های پایه، فنی و حرفه‌ای،
- تقویت و تحکیم مبانی علمی و تحقیقاتی جامعه،
- ایجاد و تقویت نهادهای سیاسی - مدنی در جهت حاکمیت متکی بر رضایت عامه،
- طراحی و اجرای نظام تأمین اجتماعی و بر خوررداری از امنیت پایه برای همگان،
- تأمین نیازهای معیشتی، هدایت به سمت مصرف مطلوب و افزایش مازاد قابل سرمایه‌گذاری، هدایت جامعه در تخصیص هماهنگ مازاد تولید به سرمایه‌گذاری برای: ایجاد و گسترش ابزار و وسایل تولیدی، ایجاد و گسترش زیربنای ارتباطی، حفاظت و توسعه منابع طبیعی^۴.

بخش اول: مفهوم بخش مالی و بودجه‌ای دولت و اهمیت آن در اقتصاد

در پی تغییر و تحولاتی که طی چند دهه اخیر در جایگاه، مأموریت و کارکردهای بخش عمومی روی داده، نظام‌های بودجه‌ریزی، مدیریت مالی و عملیاتی دولت‌ها نیز متحول شده است. این تحول بر تعاریف، مفاهیم، وظایف و کارکردهای بودجه‌ای تأثیر گذاشت و بودجه‌ریزی را از فن ارائه اطلاعات برای تأمین حقوق قوه مقننه و کسب جواز مالی عملیات دولت به فرایندی بسیار پیچیده و چند وجهی از فعالیت‌های بخش عمومی تبدیل کرده است. رویکردهای اخیر به مالیه عمومی و طرح نظریه‌هایی همچون انتخاب عمومی، ضمن تأکید بر اهمیت و پیچیدگی نظام‌های بودجه‌ای در پی بازگشت به حوزه اقتصاد سیاسی و توجیه فعالیت‌های دولت در فرایند آرای عمومی و در متن کارکردهای اقتصاد بازار است.

۲- برگستر، ۱۳۷۸

۴- چشمی، ۱۳۸۴

۱-۱- تعریف بودجه

معنای ساده بودجه همان چیزی است که مردم به آن دخل و خرج می گویند. بودجه در تعریف ساده و قدیم خود، سند پیش بینی دخل و خرج یا معاملات مملکت برای یک سال مالی است که به تصویب رسیده باشد. برخی صاحب نظران، بودجه ریزی را به انتخاب هایی از میان گزینه های ممکن تعریف کرده اند که در چارچوب مبانی نظری و اصول فنی مشخصی صورت گرفته باشد. در این تعریف، فرایند انتخاب متضمن بررسی و پیشنهاد یافته ها، ارزیابی و اتخاذ تصمیم درباره آنها، اجرای تصمیم های اتخاذ شده و ارزیابی نتایج اجرایی است که در مجموع، نظام اطلاعاتی بودجه را به وجود می آورد. در بیشتر نظام های سیاسی موجود، شناسایی، تعیین اولویت و پیشنهاد یافته ها بر عهده دولت است؛ اما بازنگری، تحلیل و سرانجام پذیرش یا انتخاب نهایی آنها در انحصار مجلس قرار دارد. همچنین اجرای تصمیم های بودجه ای (انتخاب های نهایی) در صلاحیت و مسئولیت دولت است. سرانجام، مرحله نهایی فرایند بودجه ریزی یا بررسی نتایج اجرایی بودجه در ابعاد مالی و عملیاتی و ارزیابی اثربخشی آنها بر عهده قانون گذار قرار می گیرد (حقوق نظارتی مجلس).

۱-۲- اهداف نظام بودجه ای

اهداف متعارف سیاست های اقتصادی دست یابی به رشد اقتصادی، برابری و ثبات است. این سه هدف در بلندمدت مکمل یکدیگرند. رشد اقتصادی منابع لازم را برای کاهش فقر فراهم می کند، ولی رشد بدون ثبات، ممکن است تداوم پذیر نباشد. از این رو سیاست رشد اقتصادی باید با سیاست های متناسبی در جهت برابری و ثبات اقتصادی همراه باشد. بی ثباتی، دشمن رشد اقتصادی است و غالباً بیشترین صدمه را نیز به اقشار فقیر جامعه وارد می کند. در کوتاه مدت این اهداف سه گانه ممکن است با یکدیگر تعارض داشته باشند ولی در بلندمدت برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید راه حل قاطعی را جست و جو کرد که هر سه این اهداف را در قالب یک مجموعه سیاست منسجم جای دهد.

ثبات مالی بیش از هر چیز نیازمند انضباط مالی است؛ رشد اقتصادی و برابری نیز تا حدودی از طریق تخصیص مدبرانه منابع مالی به بخش های مختلف اقتصادی حاصل می شود و بدیهی است که تحقق هر سه هدف در گرو کارایی و اثربخشی در استفاده از منابع است. بدین ترتیب، سه هدف عمده سیاست های اقتصادی، سه هدف کلیدی نظام بودجه ای را بدین شرح تعیین می کند: انضباط مالی (کنترل مخارج)، تخصیص بهینه منابع و مدیریت اجرایی کارآمد.

۱-۳- کاربرد ابزار بودجه ای

ابزار بودجه و کاربردهای آن در تعریف محورهای اصلی مأموریت دولت (بودجه و حاکمیت)، عبارتند از:

- بودجه به عنوان تدابیری برای شناسایی و حل و فصل مسائل اقتصادی و اجتماعی،
- بودجه به عنوان سنجه توانایی مدیریت بخش عمومی در تجهیز و تخصیص،
- بودجه به عنوان ابزار پاسخگویی به نیاز اطلاعاتی قانون گذار،
- بودجه به عنوان ابزار توزیع درآمدها، اداره امور بیمه‌های اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و تأمین نیاز گروه‌های محروم و عرضه خدمات اجتماعی به منظور پیشگیری، بازپروری و حفاظت از قشرهای آسیب پذیر یا معلول،
- بودجه به عنوان ابزار پاسخگویی به خواسته‌های محلی، منطقه‌ای یا الزام‌های ناشی از تعهدات بین‌المللی و نیروهای فراملی در روابط قوای حاکمیت سیاسی و به خصوص در تأمین حقوق قوه مقننه.

۱-۴- اطلاعات بودجه‌ای

سازماندهی و تنظیم اطلاعات بودجه‌ای باید بر اساس تأمین حقوق و پاسخگویی به نیازهای سه حوزه ذینفع صورت پذیرد. حوزه نخست به تأمین نیازهای اطلاعاتی قوه مقننه اختصاص دارد و کاربرد اصلی و اولیه آن برای تصمیم‌گیری، نظارت و ارزیابی است. اما قوه مجریه نیز نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق فرایند بودجه‌ریزی طرح و تعقیب می‌کند. مدیریت بخش عمومی بر عهده قوه مجریه (دولت) است و اطلاعات مربوط به آن باید از یک سو متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف قانونی دولت باشد و از سوی دیگر، باید تصمیم‌های راجع به توزیع منابع و الزامات اجرایی این وظایف را با توجه به تکالیف و ساختارهای سازمانی بخش عمومی تنفیذ کند. این گروه از اطلاعات بودجه‌ای به رغم اهمیت بسیار زیادی که در حوزه مدیریت دولت دارد، کمتر مورد توجه مستقیم قانون گذار قرار می‌گیرد.

حوزه دیگری از نیازهای اطلاعاتی ناظر بر جهت‌گیری‌های اجتماعی تصمیم‌ها و زمینه‌های مورد علاقه جامعه است. اطلاعات لازم برای پاسخگویی به ترجیحات عمومی و محلی یا مسائل مربوط به تأمین اجتماعی، توزیع درآمدها و نیازهای گروه‌های محروم از این قبیل است. از سوی دیگر، مردم و مراکز علمی و پژوهشی علاقمند به آگاهی و شناخت حدود فعالیت‌های اقتصادی و حوزه مداخلات دولت برای ارزیابی سیاست‌ها و تشخیص دامنه مجاز فعالیت‌های خود هستند. زیرا ضرورت‌هایی را که دولت تأمین نمی‌کند، می‌تواند در محدوده فعالیت‌های غیردولتی قرار گیرد. اگر بودجه به عنوان ابزاری برای سیاست‌گذاری و فرایندی برای انتخاب تعریف شود، این فرایند باید متضمن اطلاعات زیر باشد:

- شاخص‌های اساسی اهداف و برنامه‌های پیشنهادی دولت،
- فهرست اولویت‌های ملی و برنامه ملی - عملیاتی دوره آتی،
- برنامه اجرایی منسجم و معین‌کننده حدود فعالیت‌های اقتصادی دولت،

- چگونگی تأمین اهداف رفاهی و اجرای وظایفی که به موجب قوانین، مسئولیت‌های ملی، استانداردها و موازین بین‌المللی بر عهده دولت است،
- پاسخگویی به جامعه نسبت به مصرف منابع حال و آتی کشور،
- چگونگی تجهیز و تخصیص منابع عمومی به وظایف دولت و بازتوزیع درآمدها در جامعه،
- تنظیم و ارائه اطلاعات مالی - عملیاتی بر اساس سازمان مدیریت بخش عمومی و گستره حضور دولت به تفکیک وظایف و مسئولیت‌های طبقه‌بندی شده.

۱-۵- مراحل بودجه ریزی و جایگاه قوه مجریه و مقننه در ایران

بودجه ریزی چهار مرحله دارد که عبارتند از: تدوین، تصویب، اجرا و نظارت. در هر کشوری برحسب نظام حقوقی و سیاسی آن کشور، هر یک از قوای مجریه، مقننه و قضائیه یک یا چند مرحله از مراحل بودجه ریزی را به عهده دارند. به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تهیه و تنظیم بودجه از اختیارات قوه مجریه، تصویب بودجه حق انحصاری مجلس و اجرای بودجه به عهده دولت است. در زمینه نظارت بر بودجه، علاوه بر نظارت مجلس از طریق بررسی گزارش تفریغ بودجه، قوه قضائیه از طریق سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند بر حسن انجام قانون بودجه نظارت کند.

بخش دوم: ابعاد و شاخص‌های بخش مالی و بودجه ای دولت

بودجه عمومی را می‌توان به صورت یک تراز حسابداری که در سمت راست آن دریافت‌ها و در سمت چپ پرداخت‌ها ثبت می‌شود، نشان داد. دریافت‌های دولت شامل درآمدهای مالیاتی، درآمد نفت و سایر درآمدها می‌شود و پرداخت‌های دولت هزینه‌های سرمایه‌گذاری، مصرفی و بازپرداخت تعهدات دولت را در بر می‌گیرد. رقم ترازکننده این تراز حسابداری، منابع تأمین کسری بودجه دولت است که در سمت دریافت‌ها ثبت می‌شود. در صورتی که پرداخت‌های دولت از دریافتی‌هایش بیشتر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود که در صورت عدم تأمین آن از طریق افزایش درآمد یا کاهش هزینه‌ها، دولت باید اقدام به استقراض کند.

۲-۱- دریافتی‌های دولت

اقلام عمده دریافتی‌های دولت عبارتند از: مالیات‌ها، درآمد نفت، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، فروش سهام شرکت‌های دولتی، درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات و سایر درآمدها.

۲-۱-۱- درآمدهای مالیاتی

درآمدهای مالیاتی یکی از منابع درآمدی بودجه عمومی دولت در ایران است که در اکثر سال‌ها حدود ۳۰ درصد از درآمدهای عمومی دولت را بخود اختصاص می‌دهد. از آنجائی که درآمدهای مالیاتی از طریق جمع‌آوری مالیات بدست می‌آید و نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی توسط خود دولت تعیین می‌شود؛ می‌توان سیاست‌های مالیاتی را در شمار ابزارهایی دانست که دولت از آن برای سیاست‌گذاری‌های مالی استفاده می‌کند. سیاست‌های مالیاتی می‌تواند دولت را در انجام وظایفی چون برقراری ثبات اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، توزیع امکانات، ایجاد هماهنگی در اقتصاد و ... کمک کند. بنابراین قبل از هرگونه تصمیم‌گیری مالیاتی باید نتایج و پیامدهای ناشی از آن ارزیابی گردد.

دولت دو نوع مالیات مستقیم و غیرمستقیم دریافت می‌کند. مالیات‌های مستقیم به مالیات‌هایی گفته می‌شوند که بطور مستقیم بر افراد و خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شود. در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم بر کالاها و خدماتی که از آن استفاده می‌شود، بسته می‌شود. در ایران مالیات مستقیم شامل درصدی از حقوق کارمندان بخش خصوصی و دولتی، درصدی از درآمد مغازه‌داران و اصناف، درصدی از سود شرکت‌های دولتی و خصوصی، درصدی از نقل و انتقالات و ثروت خانوارها و درصدی از ارزش املاک و مستغلات می‌شود. مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات بر واردات (سود بازرگانی و حقوق گمرکی) و مالیات بر کالاها و خدمات (مانند مالیات بر سیگار، تلفن همراه، نوشابه، بنزین، نفت سفید و ...) می‌شود.

۲-۱-۲- درآمدهای نفتی

درآمدهای نفتی عمده منبع تأمین مخارج دولت در ایران می‌باشد که همواره نقش بسیار مهم و حائز اهمیتی را در تأمین مخارج جاری و عمرانی دولت ایفا نموده است. در حالی که اندیشمندان اقتصادی در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای برای ایران همواره بر این اعتقاد بودند که درآمدهای نفتی باید به مصارف توسعه‌ای و زیربنایی برسد، عملاً هزینه‌های جاری دولت نیز بتدریج از درآمدهای نفتی متأثر گردید بطوری که این وابستگی رفته رفته افزایش نیز یافته است. درآمدهای نفتی در ایران عمدتاً متأثر از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی است. بطوری که هرگاه قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش یابد درآمدهای نفتی نیز به تبع آن رشد می‌یابد. از دیگر عوامل تأثیرگذار بر درآمدهای نفتی، میزان صادرات نفت و تغییرات نرخ ارز می‌باشد. مهمترین شوک ایجاد شده در درآمدهای دولت، شوک نفتی سال ۱۳۵۳ است که باعث شد قیمت نفت در بازارهای جهانی به شدت افزایش یابد. همچنین کاهش صادرات نفت در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۴ و افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ و کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۶ باعث ایجاد نوسانات شدید در درآمدهای نفتی دولت در ایران در طول چندین دهه اخیر گردید.

مالی و مخارج انتقالی اقتصادی تقسیم می‌شود. از انواع مخارج انتقالی اجتماعی می‌توان به مخارج بیمه‌های اجتماعی اشاره نمود. مخارج انتقالی مالی از قروض عمومی دولت ناشی می‌شود و عبارت از هزینه پرداخت اصل و فرع قرضه‌های دولتی می‌باشد. از آنجایی که این نوع مخارج بابت بدهی‌های دولت بوده (دوره‌های گذشته) و از این نوع پرداخت‌ها همه ساله کالا یا خدمتی عاید دولت نمی‌شود به این دلیل جزء مخارج انتقالی دسته‌بندی می‌شوند. مخارج انتقالی اقتصادی آن دسته از مخارج عمومی است که بوسیله دولت بمنظور تثبیت قیمت‌ها و تعدیل نرخ دستمزد پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر دولت با پرداخت قسمتی از مخارج تولید به عنوان کمک به تولیدکنندگان، علاوه بر تشویق آنان به افزایش تولید، باعث می‌شود کالاها و خدمات با قیمت پایین‌تری به دست مصرف‌کنندگان برسد.

۳- مخارج سرمایه‌گذاری دولت

سرمایه‌گذاری دولتی شامل سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های انتقاعی می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بمنظور تقویت شبکه اقتصادی یا زیربنای اقتصادی کشور انجام می‌پذیرد. سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی نیز لازمه رشد و توسعه اقتصادی کشور هستند. بطوری که این سرمایه‌گذاری‌ها باعث می‌شود که جامعه از لحاظ امور اجتماعی آماده پیشرفت اقتصادی باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند شامل توسعه بهداشت از طریق احداث بیمارستان و مؤسسات بهداشتی، توسعه فرهنگ و آموزش از طریق احداث مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین احداث پارک‌ها و مراکز فرهنگی (مثل سینما) باشد. سرمایه‌گذاری انتقاعی آن دسته از مخارج دولت است که به منظور توسعه و تقویت بنیه مالی و اقتصادی انجام می‌شود.

در ایران مخارج دولت به دو دسته کلی جاری و عمرانی تقسیم‌بندی شده است. پرداخت‌های جاری به مخارجی اطلاق می‌شود که جنبه توسعه‌ای و زیربنایی نداشته و بصورت مستمر و جاری می‌باشد. این مخارج بیشتر شامل پرداخت‌های پرسنلی کارکنان دولت و پرداخت‌های انتقالی از قبیل کمک‌ها و اعانه‌های دولتی به خانوارهای فقیر و بازپرداخت وام‌های دریافتی و بهره‌های عمومی می‌شود. در سال ۱۳۸۱ با تغییر شیوه بودجه‌نویسی، عبارت پرداخت‌های جاری به پرداخت‌های هزینه‌ای تغییر کرد. پرداخت‌های عمرانی به پرداخت‌های اطلاق می‌شود که جنبه توسعه‌ای و زیربنایی دارد. بدین جهت به این مخارج، پرداخت‌های برنامه‌ای یا توسعه‌ای نیز گفته می‌شود. از سال ۱۳۸۱ با تغییر شیوه بودجه‌نویسی عبارت پرداخت‌های عمرانی به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تغییر کرد.

۲-۳- اندازه دولت در اقتصاد ایران

نوع نگرش به نقش دولت و دلایل وجود دولت، در طی قرن گذشته بارها دستخوش تغییر و بازنگری شده است. تغییر نگرش‌ها باعث تغییر وظایف و مسئولیت‌های دولت و بنابراین تغییر اندازه و ترکیب مخارج دولت می‌گردد. در بستر این نگرش‌ها، عواملی وجود دارد که می‌تواند تغییر اندازه و رشد دولت را در طی زمان و در میان کشورهای مختلف توضیح دهد. از جمله این عوامل می‌توان به درآمد سرانه، میزان باز بودن اقتصاد، درجه شهرنشینی، متغیرهای جمعیتی، حقوق سیاسی، قیمت نسبی محصولات بخش عمومی و توزیع درآمد اشاره کرد. همچنین، بین تعدد نژادی، زبانی و مذهبی، نهادهای سیاسی و تمرکز مالی دولت از یک طرف و اندازه دولت از طرف دیگر ارتباط وجود دارد.

در این ارتباط، فعالیت دولت به سه سطح دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی تفکیک و اندازه دولت در این سطوح مورد بررسی قرار می‌گیرد. تمرکز اصلی بر بعد هزینه‌ها و مصارف دولت در این سه سطح می‌باشد. اندازه دولت در اقتصاد، عموماً با محاسبه نسبت کل مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود.

بخش سوم: بررسی شاخص‌های مالی و بودجه‌ای دولت در اقتصاد ایران

در این بخش به بررسی و تحلیل شاخص‌های مهم بخش مالی و بودجه‌ای دولت که در بخش دوم ذکر گردید می‌پردازیم.

۳-۱- تحولات درآمدهای مالیاتی در ایران

درآمدهای مالیاتی در سال‌های قبل از ۱۳۵۲ روند معتدلی را طی نموده‌اند. بطوری که در طی این سال‌ها درآمدهای مالیاتی روند افزایشی متناسبی داشته و از نوسانات شدید دور بوده‌اند. میانگین نرخ رشد درآمدهای مالیاتی طی دوره ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ حدود ۲۰/۴ درصد می‌باشد. یکی از مهمترین ویژگیهای این دوره بالا بودن سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای دولت است بطوری که میانگین سهم درآمدهای مالیاتی بیش از ۳۴ درصد می‌باشد (جدول ۱). درآمدهای مالیاتی بعد از ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷ از روند معتدل خود خارج شده و دچار نوسانات شدید شده است. در این دوره در برخی از سال‌ها (۱۳۵۴) این درآمدها ۷۱/۶ درصد افزایش و در برخی دیگر از سال‌ها (۱۳۵۸) معادل ۲۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدها طی این دوره ۲۹/۹ درصد بوده و کمتر از دوره قبل می‌باشد. در برخی از سال‌ها این سهم بدلیل کاهش درآمدهای نفتی به شدت افزایش یافته و به ۵۷/۵ درصد کل درآمدها رسیده است (سال ۱۳۶۵). بعد از سال ۱۳۶۷ با شروع برنامه اول توسعه کشور درآمدهای مالیاتی افزایش یافته بطوری که نرخ متوسط تغییر آن طی دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹

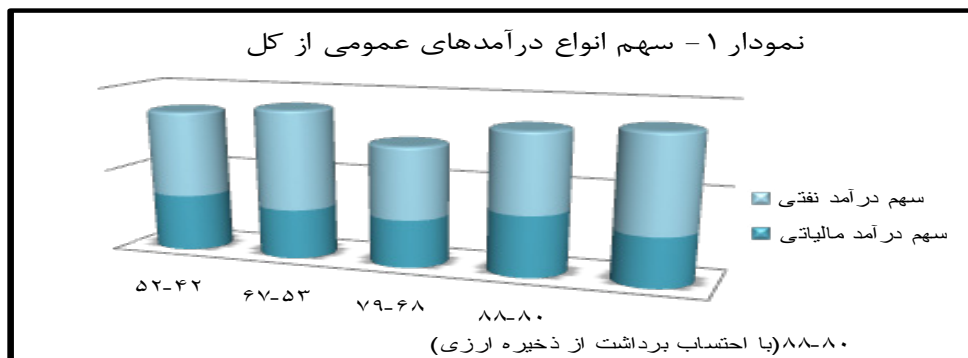
معادل ۳۵/۱ درصد بوده که بیشترین نرخ افزایش را طی کلیه سال‌های مورد بررسی (۱۳۴۲ تا ۱۳۸۸) داشته است. در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، درآمدهای مالیاتی به جز سال ۱۳۸۴، دارای روند معتدلی بوده است. متوسط درصد تغییرات درآمدهای مالیاتی این دوره ۲۶/۹۶ درصد بوده که نسبت به دوره قبل کاهش یافته است. در این دوره سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی دولت افزایش چشم‌گیری داشته و به مقدار ۳۶/۵ درصد رسید که در میان چهار دوره مورد بررسی، بیشترین سهم را دارا می‌باشد. در سال ۱۳۸۴، درآمدهای مالیاتی به شدت افزایش یافته و درصد تغییرات این درآمدها نسبت به سال قبل ۵۹/۵ درصد شد. علت این افزایش، احتساب مالیات عملکرد نفت به مبلغ ۳۱/۹ هزار میلیارد ریال طبق قانون بودجه و متمم‌های آن ذکر گردیده است. بدون احتساب این رقم، رشد مالیات در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل ۲۱/۷ درصد بوده است.

نکته مهم در مورد سهم درآمدهای مالیاتی این است که هرگاه درآمدهای نفتی افزایش یابد؛ سهم مالیات‌ها در کل درآمدهای عمومی کاهش خواهد یافت و این کاهش تا چندین سال ادامه می‌یابد.

جدول ۱- سهم و درصد تغییر درآمدهای عمومی دولت در ایران (به تفکیک دوره‌های زمانی)

دوره	متوسط درصد تغییرات		سهم در کل درآمدهای عمومی	
	درآمد نفتی	درآمد مالیاتی	درآمد نفتی	درآمد مالیاتی
۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	۲۹/۸	۲۰/۴	۵۱/۸	۳۴/۱۲
۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷	۲۳/۵	۱۶/۷	۶۰	۲۹/۹
۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹	۵۸/۷	۳۵/۱	۴۳/۴	۲۸/۷۵
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸	۱۳/۷	۲۶/۹۶	۴۷/۹	۳۶/۵

منابع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور



۳-۲- تحولات درآمدهای نفتی در ایران

دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲

در این دوره رقم اسمی درآمدهای دولت بیش از یازده برابر شد درحالیکه رقم حقیقی درآمدهای دولت نزدیک به هشت برابر گردید. میانگین سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدهای دولت طی این دوره ۵۱/۷ درصد می باشد که این سهم کمترین درصد را طی دوره های مختلف در اقتصاد ایران به خود اختصاص داده است. طی این دوره درآمدهای نفتی در تمام سال ها افزایش داشته است که بیشترین درصد افزایش مربوط به سال ۱۳۵۰ برابر ۸۱/۵ درصد می باشد.

دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷:

در این دوره وقوع شوک اول نفتی ۱۳۵۳ و سپس تغییر در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور در اثر پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و وقوع شوک دوم نفتی در سال ۱۳۶۴ باعث ایجاد افت و خیزهای زیاد در درآمدهای نفتی کشور شد. درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳ همراه با بالا رفتن قیمت نفت در بازارهای جهانی به ۴ برابر رسید که بالاترین افزایش را در کلیه سال ها داشته است. همچنین بیشترین کاهش درآمدهای نفتی در این دوره اتفاق افتاد. در سال ۱۳۶۵ همراه با کاهش صادرات نفت بدلیل شوک دوم نفتی این درآمدها حدود ۶۶ درصد کاهش یافت. نوسانات شدید درآمد نفتی در طی این دوره باعث متغیر بودن سهم درآمدهای نفتی در کل درآمدها گردید. در این دوره اتکاء درآمدهای دولت به درآمد نفت به شدت افزایش یافت و سهم درآمد نفتی در کل درآمدهای دولت به ۶۰ درصد رسید.

دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹:

از مهمترین مشخصه این دوره این است که سهم نفت در کل درآمدها نسبت به دوره های قبل به شدت کاهش یافته بطوری که متوسط سهم نفت از ۵۹/۱ درصد در دوره قبل به ۴۳/۴ درصد در این دوره رسید. طی این دوره سیاست آزادسازی نرخ ارز در اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۲ اجرا شد که باعث افزایش نرخ ارز گردید. بدین جهت با وجود کاهش در صادرات نفت در این سال درآمدهای نفتی نزدیک به دو برابر شد. بعبارت دیگر، افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۷۲، نه تنها کاهش صادراتی نفتی را پوشش داد بلکه باعث شد که درآمدهای نفتی افزایش فوق العاده ای داشته باشد. در اواخر دوره (۱۳۷۶) کاهش قیمت نفت دوباره باعث کاهش درآمدهای نفتی گردید بطوری که در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ درآمد نفتی به ترتیب برابر ۲۰/۵ و ۳۶/۲ درصد تغییر منفی داشت. این کاهش در سال های بعد با افزایش مجدد قیمت نفت در بازارهای جهانی جبران شد. لازم به ذکر است که در این دوره کاهش سهم نفت، از طریق افزایش سهم «سایر درآمدها» و از جمله استقراض از خارج جبران شده است و سهم درآمدهای مالیاتی نیز تغییر محسوسی نیافته است.

دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸

درآمدهای نفتی در دوره مذکور دارای نوسانات زیادی بوده است. در سال ۱۳۸۱، این درآمدها به شدت افزایش یافت (افزایش ۴۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۰) و در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دارای رشد منفی بوده است. از مهمترین علل این نوسانات می‌توان به افزایش قیمت جهانی نفت، یکسان سازی نرخ ارز، شفاف سازی حامل‌های انرژی و واردات بنزین اشاره کرد. به طور کلی، متوسط درصد تغییرات درآمدهای نفتی در این سال‌ها، ۱۳/۷ درصد و سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای عمومی دولت، ۴۷/۹ درصد می‌باشد. همانطور که می‌بینیم، سهم درآمدهای نفتی دوباره در این دوران افزایش یافته است.

۳-۳- پرداخت‌های عمومی دولت

در تحلیل پرداخت‌های دولت به تفکیک جاری و عمرانی دیده می‌شود که بیشترین سهم مخارج دولت را مخارج جاری تشکیل می‌دهد. کاهش در مخارج جاری دولت بیشتر روی مخارج عمرانی منعکس می‌شود بطوری که مخارج جاری بدلیل ماهیت خود، در سال‌هایی که درآمدهای دولت کاهش داشته‌اند، افزایش نیز یافته است. برای مثال در سال ۱۳۷۷ همگام با کاهش در درآمدهای نفتی، مخارج عمرانی نزدیک به ۱۵ درصد کاهش یافت ولی مخارج جاری رشد ۱۹ درصدی داشته است. در بررسی مخارج عمومی دولت می‌توان چهار دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲، ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ را در نظر گرفت.

دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲

در این دوران نرخ رشد مخارج جاری و عمرانی نزدیک به هم بوده است. سهم هزینه‌های جاری در کل هزینه‌ها نسبت به دوره‌های دیگر کم و سهم هزینه‌های عمرانی بیشتر می‌باشد.

دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷:

در این دوره که مصادف با وقایع مهمی چون شوک‌های نفتی ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴، وقوع انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی می‌باشد، ترکیب سهم هزینه‌های جاری و عمرانی تغییر نمود. طی این دوره بدلیل شرایط خاص اقتصادی کشور و بخصوص مخارج جنگ، رشد هزینه‌های جاری بیشتر از رشد هزینه‌های عمرانی بوده است. از طرفی در این دوره در برخی از سال‌ها مخارج عمرانی رشد منفی داشته و نتیجه آن شد که سهم هزینه‌های عمرانی از ۳۶/۳ درصد در دوره قبل به ۲۸/۲ درصد در این دوره کاهش یابد.

دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹:

در این دوره مخارج عمومی دولت افزایش نسبتاً زیادی داشته است. نرخ رشد هزینه‌های عمرانی بیش از هزینه‌های جاری می‌باشد که این بدلیل اهداف برنامه‌های اول و دوم توسعه است. دولت برای رسیدن به اهداف برنامه، سعی نمود که مخارج عمرانی خود را افزایش دهد. طبق جدول ۲ نرخ رشد مخارج عمرانی ۳۶/۵ درصد و نرخ رشد مخارج جاری ۳۲ درصد می‌باشد.

دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸:

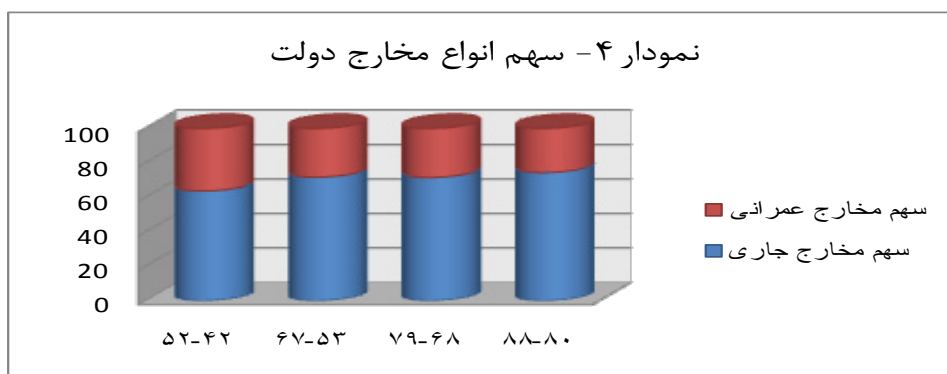
در این دوره نیز پرداخت‌های عمومی دولت افزایش قابل توجهی را داشته است. همانند دوره قبل، نرخ رشد پرداخت‌های عمرانی بیش از پرداخت‌های جاری می‌باشد که نشان دهنده تلاش دولت برای رسیدن به اهداف برنامه‌های توسعه می‌باشد. متوسط نرخ رشد کل پرداخت‌های جاری و عمرانی به ترتیب ۲۵/۵ و ۳۲/۶ درصد می‌باشد. بیشترین نرخ رشد پرداخت‌های عمرانی در این دوره مربوط به سال ۱۳۸۱ می‌باشد که نرخ رشد ۱۲۵ درصدی نسبت به سال قبل را تجربه کرد.

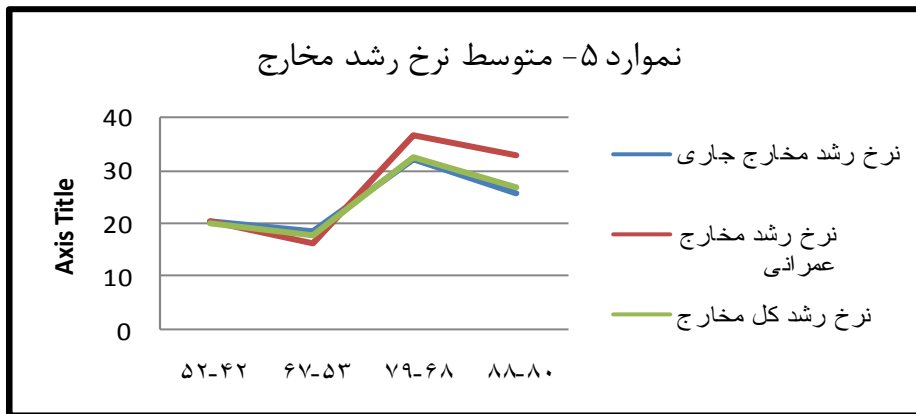
جدول ۲- متوسط سهم و درصد تغییر مخارج دولت

دوره	متوسط سهم در کل مخارج		متوسط نرخ رشد مخارج	
	جاری	عمرانی	جاری	عمرانی
۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲	۶۳/۷۲	۳۶/۲۸	۲۰/۳۱	۲۰/۲۴
۱۳۵۳ تا ۱۳۶۷	۷۱/۷۵	۲۸/۲۵	۱۸/۳۷	۱۶/۲۴
۱۳۶۸ تا ۱۳۷۹	۷۱/۶	۲۸/۴	۳۲	۳۶/۵
۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸	۷۴/۴	۲۵/۶	۲۵/۵	۳۲/۶

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور

نمودار ۴- سهم انواع مخارج دولت





۳-۴- اندازه دولت در اقتصاد ایران

در ادامه به تحلیل اندازه دولت و برخی شاخص‌های دیگر فعالیت دولت در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۸ پرداخته می‌شود. ارقام مورد استفاده در این تحقیق، مجموع پرداخت‌های جاری و عمرانی در شیوه قدیم بودجه نویسی است. در این تعریف، بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت وارد نمی‌شود. همچنین از آنجا که بخشی از پرداخت‌های وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی از محل درآمدهای اختصاصی آنها صورت می‌گیرد، آن بخش از پرداخت‌های بودجه عمومی دولت که از محل «درآمد عمومی و سایر منابع تأمین اعتبار» تأمین مالی می‌گردد، مورد نظر است. لذا پرداخت‌های اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی بدلیل در اختیار نبودن ارقام عملکرد از مجموع پرداخت‌های بودجه عمومی دولت کنار گذاشته می‌شود. همچنین دولت عمومی متشکل از دولت مرکزی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است. مطابق قانون بودجه سالیانه کل کشور، بخش عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌شود. بنابراین، ارقام مندرج با توجه به این موارد در نظر گرفته شده است.

دو نکته در خصوص مقایسه‌های انجام گرفته لازم است مد نظر قرار گیرد. نخست آن که در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۱، که یکسان‌سازی نرخ ارز صورت گرفت، بخشی از مخارج دولت بر اساس نرخ‌های ارز تثبیت شده که اختلاف فاحشی با نرخ‌های رایج در بازار غیررسمی ارز داشته، صورت گرفته است. به این لحاظ شاخص اندازه دولت طی این دوره به میزان زیادی کوچک‌نمایی دارد. دوم آن که ارقام مربوط به یارانه

انرژی نیز بسیار قابل ملاحظه می‌باشد که تنها در سال‌های ۸۴-۱۳۸۲ رقم شفاف‌سازی قیمت (یارانه) حامل‌های انرژی به ارقام بودجه اضافه شده است. بنابراین، برای بررسی روند اندازه دولت ترجیح داده شد برای تمام سال‌ها از ارقام مشابه بدون تعدیلات نرخ ارز و یارانه انرژی استفاده شود. با در نظر گرفتن ارقام برآوردی مربوط به مابه‌التفاوت نرخ ارز و یارانه انرژی، اندازه دولت مرکزی تعدیل شده بسیار بزرگتر خواهد بود.

۳-۴-۱- اندازه دولت

شاخص اندازه دولت حاکی از کاهش قابل ملاحظه آن در سال‌های پس از انقلاب است. این نسبت که در سال‌های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) حدود ۴۵/۱ درصد بود، در سال‌های انقلاب و جنگ (۶۷-۱۳۵۸) به ۲۷/۳ درصد کاهش یافت. با پایان جنگ، مخارج تحمیلی ناشی از آن نیز کاهش یافت و شرایط برای رشد تولید (GDP) مهیا گردید. به این ترتیب، در برنامه پنج ساله اول توسعه نسبت مخارج دولت به GDP به سطح ۱۷/۴ درصد تقلیل یافت. رشد GDP در طی برنامه اول ۶/۹ درصد بوده که علی‌رغم رشد سالیانه ۶/۲ درصدی مخارج دولت، موجب کاهش اندازه دولت در طی این برنامه شده است. رشد GDP در برنامه دوم توسعه به ۲/۹ درصد کاهش یافت که با وجود رشد پایین مخارج دولت در طی این سال‌ها، اندازه دولت نسبت به برنامه اول بزرگ‌تر شده است. رشد بالای GDP در برنامه سوم توسعه موجب کاهش اندازه دولت در طی این برنامه شده است. هر چند رشد سالیانه مخارج دولت در برنامه سوم نسبت به برنامه اول و دوم و همچنین دوره انقلاب و جنگ بالاتر است. در برنامه پنج ساله دوم و سوم، نسبت اندازه دولت به ترتیب ۲۲/۱ و ۲۰/۶ درصد بوده است. اندازه دولت در سه سال اول برنامه چهارم نسبت به دوره قبل حدود ۳ درصد بزرگتر شده است. این افزایش هم به سبب رشد سریعتر مخارج دولت و هم به سبب رشد ضعیف‌تر تولید ناخالص داخلی در این سال‌ها بوده است (جدول شماره ۳ و ۴).

نسبت مخارج جاری به GDP و مخارج عمرانی به GDP نیز روند مشابهی را نشان می‌دهد، به جز آن که در برنامه سوم نسبت مخارج جاری به GDP از ۱۵/۴ درصد در برنامه دوم به ۱۵/۵ درصد افزایش یافته است. با توجه به انبوه طرح‌های نیمه تمام عمرانی باقیمانده از برنامه دوم، می‌توان انتظار داشت که کاهش نسبت مخارج عمرانی به GDP طی برنامه سوم، ناشی از محدودیت منابع بودجه دولت پس از تخصیص سهم بالایی از آن به مخارج جاری باشد. با این وجود، نسبت مخارج جاری به عمرانی تقریباً در تمام سال‌های بعد از انقلاب (بجز سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵) بزرگتر از ۲ می‌باشد. (جدول شماره ۷ و ۸)

ملاحظه اندازه دولت و دو نسبت مخارج جاری و عمرانی به GDP طی برنامه دوم، سوم و چهارم نشان می‌دهد که در پی رکود اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای دولت از محل

صدور نفت خام در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ اندازه دولت با وقفه‌ای یک ساله در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ نزولی بوده است. همچنین تداوم و افزایش رکود اقتصادی در سال ۱۳۷۸ سبب شد که علی‌رغم افزایش درآمدهای نفتی دولت و رشد اقتصادی بالا در سال ۱۳۷۹ اندازه دولت در این سال نسبت به تمام سال‌های برنامه دوم و سوم و همچنین ۳ سال اول برنامه چهارم کوچکتر باشد. با تداوم رونق درآمدهای نفتی در سال‌های بعد، مجدداً اندازه دولت در اقتصاد افزایش یافته است. علت کاهش نسبی اندازه دولت در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ عدم تحقق کامل هزینه‌های عمرانی دولت در این سال‌ها می‌باشد. نکته دیگری که در بررسی آمار دولت به چشم می‌خورد این است که تغییرات اندازه دولت مرکزی با یک وقفه زمانی از تغییرات درآمدهای نفتی و به تبع آن رشد اقتصادی پیروی می‌کند.

۳-۴-۲- اندازه دولت عمومی

دولت عمومی علاوه بر دولت یعنی قوه مجریه، شامل شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی نیز می‌گردد. با توجه به مقیاس کوچک مخارج شهرداری‌ها و تأمین اجتماعی در مقایسه با قوه مجریه در ایران، اندازه دولت عمومی نیز از روندی مشابه با دولت به معنای خاص آن یعنی قوه مجریه پیروی می‌کند. لذا در اینجا از بررسی جداگانه این بخش خودداری می‌کنیم.

۳-۴-۳- اندازه بخش عمومی

بخش عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌باشد. به عبارتی دیگر، بخش عمومی در برگیرنده تمام فعالیت‌های دولتی در قالب بودجه کل کشور است. لازم به ذکر است که ارقام مربوط به بودجه شرکت‌های دولتی در قوانین بودجه سال‌های ۶۲-۱۳۵۸ آورده نشده است. اندازه بخش عمومی نیز در سال‌های رونق درآمدهای نفتی (۵۷-۱۳۵۳) بویژه در بخش مخارج جاری بسیار بزرگ بوده است. در دوره انقلاب و جنگ، اندازه بخش عمومی به ۴۰/۸ کاهش یافت که با توجه به نکته ذکر شده در بالا، این رقم به دلیل در بر نداشتن هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی در طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ کمتر از حد واقعی خود می‌باشد. با پایان یافتن رکود اقتصادی دوران جنگ و شروع رونق اقتصادی در برنامه اول توسعه، علیرغم رشد بالای مخارج جاری و عمرانی بخش عمومی، اندازه بخش عمومی کاهش یافت. رکود اقتصادی ناشی از کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ با وقفه زمانی بیشتری نسبت به دولت مرکزی و دولت عمومی باعث کاهش اندازه بخش عمومی در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ گردید. رشد بالای مخارج جاری شرکت‌های دولتی در برنامه

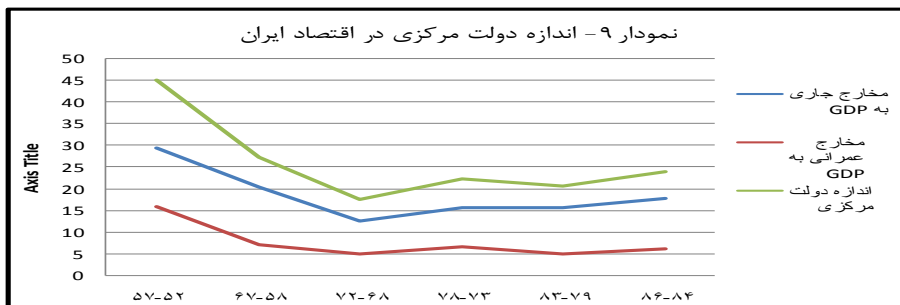
سوم سبب شد که اندازه بخش عمومی بر خلاف اندازه دولت مرکزی و دولت عمومی، نسبت به برنامه دوم افزایش یابد. رشد بالای مخارج عمرانی دولت مرکزی به همراه رشد بالای مخارج جاری شرکت های دولتی در سه سال اول برنامه چهارم موجب رشد قابل توجه اندازه بخش عمومی در این سال ها نسبت به دوره های قبل گردید. بطوری که اندازه بخش عمومی دولت در این سال ها نسبت به دوره برنامه سوم به میزان ۳۹ درصد رشد را نشان می دهد (جدول شماره ۳ و ۴).

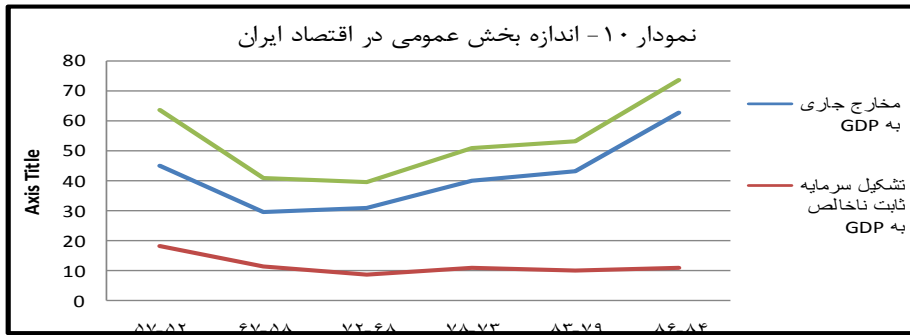
اندازه بخش عمومی تصویر جامع تری از سطح فعالیت دولت در اقتصاد ایران نشان می دهد. این نسبت بیش از ۲ برابر اندازه دولت عمومی در دوره های بعد از انقلاب و جنگ می باشد. متوسط نسبت مخارج بخش عمومی به GDP در طول سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ به بیش از ۷۳ درصد بالغ می گردد که نشان دهنده رشد بالای اندازه دولت در این سال ها بر خلاف اهداف سند چشم انداز و همچنین اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد.

جدول ۳- اندازه دولت در اقتصاد ایران

سال	۱۳۵۲-۵۷	۱۳۵۸-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴-۸۶
اندازه دولت (*)	۴۵/۱	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۳/۸
مخارج جاری به GDP	۲۹/۴	۲۰/۳	۱۲/۴	۱۵/۴	۱۵/۵	۱۷/۶
مخارج عمرانی به GDP	۱۵/۸	۷/۰	۵/۱	۶/۶	۵/۰	۶/۲
اندازه بخش عمومی (*)	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳/۰	۷۳/۳
مخارج جاری به GDP	۴۵/۰	۲۹/۴	۳۰/۹	۴۰/۰	۴۳/۳	۶۲/۷
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به GDP	۱۸/۱	۱۱/۴	۸/۵	۱۰/۷	۹/۷	۱۰/۶

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، گزارش وضع مالی دولت





* دولت مرکزی تنها وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته را در بر می‌گیرد.
 * عمومی علاوه بر دولت عمومی شامل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت نیز می‌باشد. مخارج جاری بخش عمومی طی دوره ۶۲-۱۳۵۸ به دلیل فقدان بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به دولت در قوانین بودجه کشور در این سال‌ها شامل مخارج جاری این گروه نمی‌باشد.

جدول ۴- اندازه ردولت در اقتصاد ایران طی سال‌های برنامه دوم و سوم و چهارم توسعه

سال	دولت			بخش عمومی	
	مخارج جاری به GDP	مخارج عمرانی به GDP	اندازه دولت	مخارج جاری به GDP	مخارج عمرانی به GDP
۱۳۷۴	۱۵/۳	۶/۹	۲۲/۲	۳۷/۵	۱۰/۴
۱۳۷۵	۱۵/۱	۷/۷	۲۲/۹	۳۷/۰	۱۱/۳
۱۳۷۶	۱۵/۴	۷/۰	۲۲/۴	۴۰/۳	۱۰/۴
۱۳۷۷	۱۶/۲	۵/۳	۲۱/۵	۴۵/۸	۱۰/۰
۱۳۷۸	۱۵/۵	۵/۷	۲۱/۲	۴۱/۲	۱۰/۴
۱۳۷۹	۱۴/۲	۳/۹	۱۸/۱	۴۰/۰	۸/۹
۱۳۸۰	۱۵/۰	۳/۶	۱۸/۷	۴۰/۳	۸/۸
۱۳۸۱	۱۵/۹	۵/۹	۲۱/۸	۴۲/۲	۱۰/۶
۱۳۸۲	۱۶/۱	۶/۷	۲۲/۷	۴۶/۵	۱۰/۸
۱۳۸۳	۱۶/۵	۵/۱	۲۱/۶	۴۷/۵	۹/۶
۱۳۸۴	۱۹/۴	۶/۹	۲۶/۴	۶۱/۱	۱۱/۱
۱۳۸۵	۱۸/۷	۶/۵	۲۵/۲	۶۴/۷	۱۰/۵
۱۳۸۶	۱۴/۶	۵/۱	۱۹/۷	۶۲/۴	۱۰

منبع: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، گزارش وضع مالی دولت

بخش چهارم: مقایسه بخش مالی و بودجه‌ای دولت ایران و کشورهای منطقه چشم انداز

توجه کافی به سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه می‌تواند راهگشای کاهش اختلالات دولت در اقتصاد و بهبود نقش دولت در رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد. سیاست‌های کلی برنامه چهارم و پنجم توسعه به صراحت به مدیریت مطلوب درآمدهای نفت و گاز، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی‌گری‌های دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نظم و انضباط مالی و تعادل بین منابع و مصارف دولت و قطع اتکای مخارج دولت به نفت اشاره دارند. همچنین، اجرای مطلوب مواد قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه که به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از فروش نفت خام و تبدیل‌داری حاصل از آن به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه و برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای تدوین شده‌اند، می‌تواند از شدت اتکای دولت به درآمدهای نفتی کاسته و زمینه مدیریت کارآمد بودجه از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی را فراهم نماید. با توجه به آمار ارائه شده تا این قسمت می‌توان نتیجه گرفت که این مطالعه، تصویری نسبتاً جامع و نگران‌کننده از نقش دولت و حیطة تسلط آن بر اقتصاد ایران ارائه می‌نماید. این موضوع بر خلاف اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تقریباً همه برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌باشد. به نظر می‌رسد ادامه این روند نه تنها موجب رسیدن به هدف اصلی سند چشم‌انداز که همانا کسب جایگاه اول در میان کشورهای منطقه نمی‌شود، بلکه موجب ضعیف‌تر شدن اقتصاد کشور در برابر اقتصادهای منطقه می‌گردد. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، در ادامه به مقایسه وضعیت بخش مالی اقتصاد ایران و برخی کشورهای سند چشم‌انداز خواهیم پرداخت.

کشورهای مورد نظر در این مطالعه شامل کشورهای می‌باشد که می‌توانند رقیب ایران در رسیدن به رتبه اولی در منطقه در سال ۱۴۰۴ باشند. کشورهای مورد بررسی عبارتند از: ترکیه، عربستان، پاکستان و قزاقستان. شاخص‌های مورد استفاده در این قسمت برای کل جهان و همچنین کشورهای ناحیه اروپا (به عنوان نماینده کشورهای توسعه‌یافته) نیز محاسبه گردیده تا بتوانیم دید کاملی از موقعیت بودجه‌ای ایران در جهان و در برابر کشورهای توسعه‌یافته، کسب کنیم. به لحاظ زمانی، تحلیلی که صورت می‌گیرد شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی می‌گردد (به دلیل نبود آمار سال ۲۰۱۰ برای برخی از کشورها، این سال در نظر گرفته نشده است). همچنین در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ شمسی (۲۰۲۵م) پیش‌بینی‌های لازم نیز ارائه می‌گردد. در انجام پیش‌بینی‌ها فرض می‌شود که اگر متغیرهای

اقتصادی ایران و کشورهای رقیب در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ میلادی با نرخ معادل با میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی رشد کنند، در سال ۲۰۲۵ وضعیت چگونه خواهد بود. آیا ایران در این سال به جایگاه اول در بین تمامی کشورهای خاور میانه و در تمامی متغیرهای مدنظر دست می‌یابد؟

اندازه‌گیری شاخص‌هایی نظیر نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص داخلی می‌تواند تصویری از سهم و میزان دخالت دولت در اقتصاد را ارائه کند. اما بررسی ترکیب اجزای هزینه‌های دولت با توجه به ماهیت عملکردی هر یک از این هزینه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شواهدی از اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه حاکی از آن است که اندازه دولت‌ها و ترکیب مخارج آنها در مراحل توسعه تغییر می‌کند. به طور کلی، انتظار می‌رود که با پیشرفت در مراحل توسعه و فراهم آمدن زیرساخت‌های لازم، ترکیب مخارج دولت‌ها به نفع مخارج جاری تغییر نماید.

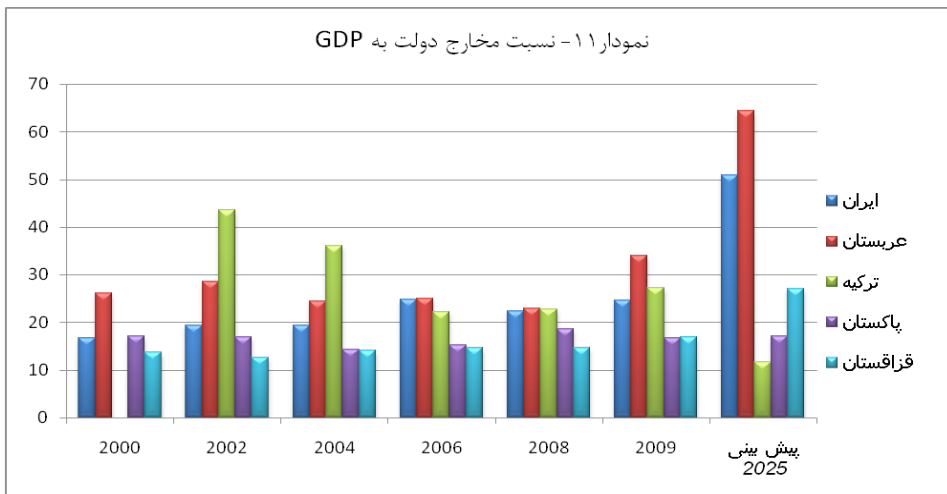
در جدول شماره ۵ نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد نظر آورده شده است. با توجه به آمار گزارش شده در جدول، می‌توان به چند نکته اشاره کرد. اول اینکه اندازه دولت در طول دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در ناحیه اروپا نسبت به کشورهای منطقه بالاتر می‌باشد. بطوری که در سال ۲۰۰۹، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی در این کشورها به ۴۱ درصد رسید که هم از متوسط کل دنیا و هم از متوسط کشورهای چشم‌انداز بالاتر می‌باشد. با مقایسه اندازه دولت ایران با کشورهای منطقه چشم‌انداز، مشاهده می‌شود در بیشتر سال‌های بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، ایران رتبه سوم را پس از کشورهای عربستان و ترکیه کسب کرده است. البته با توجه به میانگین نرخ رشد اندازه دولت در این ۱۰ سال، کشور ایران بیشترین نرخ رشد را در بین همه کشورها دارا بوده است که باعث شده در پیش‌بینی‌های صورت گرفته برای اندازه دولت در سال ۲۰۲۵ میلادی، ایران رتبه دوم منطقه را بعد از عربستان کسب کند.

جدول ۵- نسبت مخارج کل به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	دنیا	اروپا	عربستان	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	-	۳۷,۱	۲۶,۱	-	۱۷,۲	۱۳,۷	۱۶,۷
۲۰۰۱	۲۶,۷	۳۷,۲	۳۱,۳	-	۱۶,۲	۱۳,۶	۱۹,۳
۲۰۰۲	۲۶,۱	۳۷,۳	۲۸,۶	۴۳,۵	۱۶,۹	۱۲,۷	۱۹,۳
۲۰۰۳	۲۶,۶	۳۷,۸	۲۶	۳۹	۱۶,۸	۱۳,۹	۱۹,۵
۲۰۰۴	۲۶,۲	۳۷,۴	۲۴,۵	۳۴	۱۴,۴	۱۴,۱	۱۹,۴
۲۰۰۵	۲۷,۳	۳۷,۶	۲۳,۷	۳۰	۱۴,۶	۱۸,۲	۲۲,۹

۲۴,۸	۱۴,۶	۱۵,۲	۲۲,۱	۲۵	۳۷	۲۶,۹	۲۰۰۶
۲۰,۶	۱۴,۱	۱۶,۳	۲۴,۵	۲۶,۳	۳۶,۵	۲۸,۸	۲۰۰۷
۲۲,۳	۱۴,۶	۱۸,۶	۲۲,۸	۲۳	۳۷,۶	۲۸	۲۰۰۸
(۵)۲۴,۷	(۶)۱۶,۹	(۷)۱۶,۸	(۴)۲۷,۲	(۲)۳۴	(۱)۴۱	(۳)۳۱,۲	۲۰۰۹
۴,۹۴۵	۳,۱۹	۰,۰۸۹	-۵,۴۳۲	۴,۳۴۸	۱,۱۶۲	۲,۰۵۴	میانگین نرخ تغییرات
(۲)۵۰,۹۵	(۵)۲۷,۰۳	(۶)۱۷,۰۳	(۷)۱۱,۷۷	(۱)۶۴,۳۸	(۳)۴۸,۷۶	(۴)۴۲,۳۳	پیش بینی ۲۰۲۵

منابع: منابع آماری WDI، GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010) * اعداد داخل پارانتر رتبه کشورها در سال مورد نظر را نشان می دهد.



همانطور که گفته شد با تحلیل داده‌های مربوط به نسبت مخارج کل به GDP در کنار بررسی اجزای این مخارج می‌توان دید بهتر و مناسب‌تری از وضعیت دولت و میزان دخالت آن در اقتصاد ارائه داد. لذا در ادامه به بررسی شاخص نسبت مخارج جاری دولت به تولید ناخالص ملی خواهیم پرداخت. جدول ۶ نشان می‌دهد که در بیشتر سال‌ها وضعیت کشور عربستان در این شاخص از بقیه کشورهای منطقه و حتی کشورهای ناحیه اروپا نیز بهتر می‌باشد. متوسط این شاخص در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ برای این کشور ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی گردید. این مقدار برای دنیا، ۱۷/۳ درصد و برای کشورهای ناحیه اروپا ۲۰/۵ درصد می‌باشد که موجب قرار گرفتن این گروه کشورها به ترتیب در ردیف‌های سوم و دوم

شد. متوسط این شاخص در دوره مورد نظر برای ایران $۱۲/۸۳$ درصد می باشد که رتبه چهارم گروه مورد بررسی در گزارش و رتبه دوم منطقه چشم انداز، بعد از کشور عربستان و بالاتر از کشورهای ترکیه، پاکستان و قزاقستان را برای ایران به همراه دارد. نکته مهم و قابل تأمل در این قسمت این است که نسبت مخارج جاری به GDP ایران در دوره مورد بررسی دارای رشد منفی بوده است. متوسط رشد این شاخص $۲/۴۳$ - درصد می باشد که کمترین (منفی ترین) میزان رشد را در مقایسه با سایر کشورهای مورد نظر دارا می باشد. اگر شرایط به همین صورت فعلی ادامه پیدا کند، میزان عددی این شاخص برای ایران در افق چشم انداز به $۷/۳۶$ درصد می رسد که نشان دهنده کاهش حدود $۵/۵$ درصد در طول این ۱۶ سال می باشد. در نتیجه انتظار می رود که رتبه ایران در سال ۲۰۲۵ در میان ۷ کشور مورد بررسی به ۷ برسد که نشان دهنده پایین بودن این شاخص برای ایران نسبت به سایر کشورها است.

حال اگر نتایج بدست آمده در مورد نسبت مخارج کل و جاری را با هم مقایسه کنیم، می بینیم که برای ایران متوسط تغییرات مخارج کل به GDP داراری بیشترین و متوسط تغییرات مخارج جاری به GDP داراری کمترین نرخ نسبت به سایر کشورها می باشد. این به معنی رشد مخارج عمرانی دولت در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ و افزایش اندازه و حجم فعالیت های دولت (مخصوصاً در بخش عمرانی) و در نتیجه کاهش فعالیت های بخش خصوصی در فعالیت های سرمایه گذاری و عمرانی می باشد. این نسبت ها برای کشورهای ناحیه اروپا $۱/۱۶$ برای مخارج کل و $۱/۲۸$ برای مخارج جاری می باشد. در این کشورها، حجم دولت به مرور زمان کوچکتر شده و تلاش شده است که حوزه فعالیت های دولت به هزینه های جاری محدود شود. در ترکیه نیز این نسبت ها به ترتیب $۵/۴$ - و $۲/۷$ می باشد که به خوبی نشان دهنده کاهش حجم فعالیت های دولت در بخش عمرانی و واگذاری این قسمت به بخش خصوصی می باشد. البته در این شاخص برای عربستان همچون ایران چشم انداز چندان مناسبی را پیش بینی نمی کنیم. با توجه به متوسط نرخ رشد $۰/۸۴۴$ - درصدی عربستان در این شاخص، انتظار می رود این شاخص برای عربستان از $۲۴/۹$ درصد در سال ۲۰۰۹ به $۱۹/۸۳$ درصد در سال ۲۰۲۵ تنزل یابد.

در کل می توان نتیجه گیری کرد که در افق چشم انداز ۱۴۰۴ ، اگر ایران به همین روند فعلی خود از لحاظ وضعیت هزینه های دولت ادامه دهد، انتظار می رود که اندازه و حجم فعالیت های دولت روز به روز افزایش یافته و حجم فعالیت های بخش خصوصی روز به روز کمتر گردد که این با اهداف سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین اهداف برنامه های توسعه کشور در تناقض می باشد. لذا کشور ایران برای رسیدن به هدف اصلی سند چشم انداز که کسب رتبه اولی در منطقه می باشد، باید تغییرات و تحولات

اساسی در مورد فعالیت های دولت، نقش دولت در اقتصاد و اندازه دولت ایجاد کند. زیرا با توجه به آمار ارائه شده، ملاحظه می گردد که کشورهایی همچون عربستان و ترکیه رقیب های بسیار سرسختی برای ما در رسیدن به جایگاه اول منطقه می باشند.

جدول ۶- نسبت مخاج جاری به تولید ناخالص داخلی (درصد)

سال	دنیا	اروپا	عربستان	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	۱۶/۴	۱۹/۸	۲۶	۱۱/۷	۸/۶	۱۲/۱	۱۳/۹
۲۰۰۱	۱۶/۸	۱۹/۹	۲۷/۵	۱۲/۴	۷/۸	۱۳/۴	۱۴
۲۰۰۲	۱۷/۲	۲۰/۳	۲۶/۱	۱۲/۷	۸/۷	۱۱/۶	۱۲/۸
۲۰۰۳	۱۷/۳	۲۰/۶	۲۴/۶	۱۲/۲	۸/۸	۱۱/۳	۱۲/۱
۲۰۰۴	۱۷/۱	۲۰/۴	۲۳/۶	۱۲	۸/۲	۱۱/۶	۱۱/۴
۲۰۰۵	۱۷/۲	۲۰/۵	۲۲/۲	۱۱/۸	۷/۸	۱۱/۲	۱۳
۲۰۰۶	۱۷/۱	۲۰/۳	۲۳/۳	۱۲/۳	۱۰/۸	۱۰/۲	۱۴/۲
۲۰۰۷	۱۷	۲۰	۲۲/۳	۱۲/۷	۹/۲	۱۱/۱	۱۱/۲
۲۰۰۸	۱۷/۶	۲۰/۵	۱۹/۳	۱۲/۸	۱۲/۵	۱۰/۴	-
۲۰۰۹	۱۸/۸	۲۲/۱	۲۴/۹	۱۴/۷	۸/۱	۱۱/۷	-
میانگین دوره*	(۳)۱۷/۳	(۲)۲۰/۵	(۱)۲۴	(۵)۱۲/۴	(۷)۹/۰۵	(۶)۱۱/۴۵	(۴)۱۲/۸۳
میانگین نرخ تغییرات	۱/۵۹	۱/۲۸	-۰/۸۴۴	۲/۷۰	۲/۶	-۱/۷۴	-۲/۴۳
پیش بینی ۲۰۲۵	(۲)۲۴/۲۲	(۱)۲۷/۱۰	(۴)۱۹/۸۳	(۳)۲۱/۹۱	(۵)۱۳/۱۶	(۶)۷/۴۱	(۷)۷/۳۶

منابع: منابع آماری WDI, GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010) * اعداد داخل پارانترز رتبه کشورها را نشان می دهد.

شاخص دیگری که ما را در مقایسه وضعیت بودجه ای کشورها کمک می کند، شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت می باشد. طبق جدول شماره ۱۱، ایران وضعیت چندان مناسبی نداشته و در میان کشورهای مورد بررسی دارای کمترین نسبت می باشد (به دلیل نبود آمار درآمدهای مالیاتی کشور عربستان، این کشور از گروه کشوری مورد بررسی حذف گردید). البته با توجه به اینکه ایران برخلاف سایر کشورهای مورد بررسی دارای درآمدهای نفتی می باشد، لذا انتظار چنین آماری را هم برای ایران داشتیم ولی نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه کنیم متوسط نرخ رشد بالای این نسبت برای ایران می باشد. متوسط نرخ رشد این شاخص برای ایران ۱/۴۵ درصد می باشد که بعد از ترکیه دارای بیشترین نرخ رشد می باشد. این نرخ رشد بالا نشانه خوبی برای بهبود هرچه بهتر وضعیت این شاخص در سال های آتی می باشد.

جدول ۷- نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت (درصد)

سال	دنیا	اروپا	ترکیه	پاکستان	قزاقستان	ایران
۲۰۰۰	-	۵۱,۸	-	۷۲,۷	۹۰,۳	۲۶,۹
۲۰۰۱	۶۰	۵۲,۴	-	۷۸,۷	۸۴,۲	۲۶,۵
۲۰۰۲	۵۹	۵۱,۷	-	۷۴,۱	۹۱,۷	۲۶,۶
۲۰۰۳	۶۰,۱	۵۱,۳	-	۷۵	۹۴,۲	۲۱,۶
۲۰۰۴	۶۱	۵۱,۵	۷۹,۴	۷۶,۳	۹۲	۲۰,۹
۲۰۰۵	۶۱,۲	۵۱,۷	۸۰,۱	۷۳,۸	۸۰,۳	۲۱,۶
۲۰۰۶	۶۰,۴	۵۲,۷	۷۸,۸	۷۰,۱	۸۸,۱	۲۰,۷
۲۰۰۷	۶۰,۲	۵۳	۷۲,۵	۶۷,۶	۸۷,۸	۲۰,۷
۲۰۰۸	۹۵,۴	۵۱,۴	۸۲,۷	۷۳,۹	۹۵	۲۳,۶
۲۰۰۹	(۴)۵۶,۱	(۵)۴۹,۷	(۲)۸۶,۷	(۳)۶۶,۴	(۱)۸۸	(۶)۲۸,۸
میانگین نرخ تغییرات	-۰,۸۹۲	-۰,۴۴۴	۲,۰۳۴	-۰,۸۱۴	۰,۰۰۳	۱,۴۵۴
پیش بینی ۲۰۲۵	(۴)۴۸,۵۲	(۵)۴۶,۴۹	(۱)۱۱۷,۲۷	(۳)۵۸,۷۳	(۲)۸۸,۰۵	(۶)۳۵

منبع: منابع آماری WDI, GFS و بانک مرکزی عربستان، گزارش سالانه (Annual Report, Forty Seventh, 2010)
-اعداد داخل پرانتز رتبه کشورها را نشان می دهد.

نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا تحلیلی از تحولات درآمدها و مخارج دولت طی دوره های مختلف ارائه و سپس به مقایسه شاخص های مالی دولت با برخی کشورهای مورد نظر در چشم انداز پرداخته شد. بررسی درآمدهای عمومی دولت در ایران حاکی از آن است که این درآمدها وابسته به درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز بوده و بروز نوسانات غیر قابل پیش بینی در آن، دولت را با مشکلات جدی در تأمین مالی مخارج خود روبرو می سازد. همچنین سهم پایین درآمدهای مالیاتی از کل درآمدها، باعث شده است که این درآمدها تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار گیرد. همچنین برخی از اجزاء درآمدهای مالیاتی چون مالیات بر واردات و مالیات بر شرکت ها، به دلیل استفاده از ارزش حاصل از فروش نفت، به طور مستقیم وابسته به درآمدهای دولت می باشد. بررسی مخارج دولت نشان می دهد که نزدیک به ۷۰ درصد کل مخارج را مخارج جاری تشکیل

می دهد و سهم مخارج عمرانی تنها ۳۰ درصد است. از طرفی سهم مخارج جاری در طول زمان همواره افزایش یافته و سهم مخارج عمرانی کاهش یافته است.

اندازه دولت مرکزی در دوره رونق درآمدهای نفتی (۷۵-۱۳۵۲) بیش از ۴۵ درصد بوده است که همزمان با رکود اقتصادی در دوره انقلاب و جنگ (۱۳۵۸-۶۸) کاهش چشم گیری داشته و در دوره برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) به حداقل میزان خود یعنی ۱۷/۴ درصد تقلیل یافته است. کاهش رشد اقتصادی در سال های برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) موجب افزایش نسبت مخارج دولت مرکزی به GDP و رونق اقتصادی در طی سال های برنامه سوم توسعه موجب کاهش این نسبت گردید. رشد بالای مخارج دولت در ۳ سال اول برنامه چهارم، به ویژه در بخش مخارج عمرانی، موجب افزایش اندازه دولت به ۲۳/۸ درصد گردید. اندازه دولت عمومی که مخارج مصرفی و سرمایه گذاری شهرداری ها و سازمان تامین اجتماعی را نیز دربر دارد، از روندی مشابه با اندازه دولت مرکزی پیروی می کند. اندازه بخش عمومی تصویر جامع تری از سطح فعالیت دولت در اقتصاد ایران را نشان می دهد. این نسبت بیش از ۲ برابر اندازه دولت عمومی در طی دوره های بعد از انقلاب و جنگ می باشد. نسبت مخارج بخش عمومی به GDP در سال ۱۳۸۶ به بیش از ۷۲ درصد بالغ گردید.

در ادامه وضعیت متغیرهای مالی دولت در بین برخی از کشورها که می توانند در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به عنوان رقیب ایران مطرح باشند، بررسی شد. این گروه از کشورها که در این مقاله از آنها با عنوان «کشورهای رقیب» یاد کردیم عبارت اند: ترکیه، عربستان، قزاقستان و پاکستان. به لحاظ زمانی، تحلیلی که انجام شد شامل دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی می باشد. انتظار می رود اندازه و حجم فعالیت های دولت در ایران روز به روز افزایش یافته و حجم فعالیت های بخش خصوصی کمتر گردد که این با اهداف سند چشم انداز، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین اهداف برنامه های توسعه کشور در تناقض می باشد. لذا کشور ایران برای رسیدن به هدف اصلی سند چشم انداز که کسب رتبه اولی در منطقه می باشد، باید تغییرات و تحولات اساسی در مورد فعالیت های دولت، نقش دولت در اقتصاد و اندازه دولت ایجاد کند.

منابع و مأخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، اندازه دولت در اقتصاد ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور، سال‌های مختلف.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
- برگستر، ویلی (۱۳۷۸)، دولت و رشد، ترجمه علی حیاتی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- پژوهان، جمشید (۱۳۷۳)، اقتصاد بخش عمومی. موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- چشمی، اکبر (۱۳۸۴)، عوامل تعیین‌کننده اندازه دولت با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شریف.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۴)، مدیریت بودجه و ثبات اقتصادی با نگاهی بر مدیریت منابع در بودجه، جامعه و اقتصاد، سال دوم، شماره ۶.
- زمانی، احمد (۱۳۸۰)، بررسی هزینه‌های عمومی و امکان‌سنجی کاهش یا تعدیل آنها (تحلیل تاریخی)، تهران، پایگان.
- سامتی، مرتضی (۱۳۸۲)، اندازه‌گیری مقادیر بهینه فعالیت‌های اقتصادی دولت ایران طی سال‌های ۷۷-۱۳۵۸، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۲.
- سخنور، محمد (۱۳۸۴)، تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی و تعیین اندازه بهینه دولت در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- فیروزی، ریحانه (۱۳۸۸)، تأثیر مخارج دولت بر بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- قلی‌زاده، علی اکبر (۱۳۸۵)، رویکردی برای تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت)، مجله برنامه و بودجه، سال نهم، شماره ۲.
- قوانین بودجه کل کشور، سال‌های مختلف.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۴)، بررسی درآمدهای مالیاتی ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۸ و ۲۹.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۴)، الگوی بودجه عمومی دولت، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲۸ و ۲۹.
- کمرئی، جواد (۱۳۸۸)، بررسی مقایسه‌ای تأثیر مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت بر رشد اقتصادی در گروه منتخب کشورهای اسلامی خاورمیانه به روش گشتاوردهای تعمیم‌یافته،

- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- گزارش وضع مالی دولت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال های مختلف.
 - مرکز آمار ایران، خلاصه گزارش حساب های ملی، سال های مختلف.
 - معاونت نظارت راهبردی، دفتر نظارت برنامه (۱۳۸۸)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه چهارم توسعه.
 - نصیری، مجید (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی و تعیین اندازه بهینه دولت در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - Bjornskov, Christian, Axel Dreher and Justina A.V. Fischer(2005), The bigger the better? Evidence of the effect of government size on life satisfaction around the world, WIF-Institute of Economic Research, Working Paper.
 - Gosh, S., Gregoriou, A.(2008), The Composition of Government Spending and Growth: Is Current or Capital Spending Better? Oxford Economic Paper,
 - Gunalp, Burak and Oguzhan C. Dincer(2005), The Optimal Government Size in Transition Countries. Available at SSRN
 - Saudi Arabian Monetary Agency(2010), Annual Report, Forty Seventh report,
 - World Bank, World Development Indicators, Washington, D.C,